

سقاخانه‌های تهران

شهناز ابراهیمی*

هریک از شهرها و سکونت‌گاه‌های قدیمی ما، گنجینه فرهنگی باارزشی به شمار می‌آیند که نمایانگر روند تاریخ حیات اجتماعی جاری در آن هستند و هر یک از عناصر و فضاهای آن گویای بخشی از ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه می‌باشند که با بررسی و شناخت آن می‌توان به زوایا و ابعاد غیرمدرن و ناشناخته‌ای از تاریخ اجتماعی این سرزمین پی برد. سقاخانه‌های قدیمی شهر از جمله فضاهایی هستند که در تاریخ حیات اجتماعی، مهجور مانده‌اند. زمانی که در شهرها آب لوله‌کشی وجود نداشت و آب‌سردکن‌های برقی به وفور در دسترس نبود، در بیشتر محله‌ها، بازارها و میدان‌های... شهرهای بزرگ، بویژه آنها که کم‌آب بودند مانند: یزد، کاشان، اصفهان، شیراز، اراک، سبزوار، نیشابور، تهران و ... مکانی وجود داشت که عابران تشنگی خود را با نوشیدن جام آبی از شیر یا ظرف آن... برطرف می‌کردند. در نظر عامه مردم سقاخانه مکانی مقدس و آب آن متبرک بود. ما با انتخاب شهر تهران و با استفاده از شیوه مردم‌نگاری که روشی ژرفانگر است، سعی کردیم این نهاد مردمی و مقدس را که با ورود فناوری، رشد و توسعه شهرنشینی در حال نابودی است مورد کاوش قرار دهیم.

نوشتار زیر برگرفته از پژوهشی است با عنوان «بررسی سقاخانه‌های تهران» که در سال ۱۳۷۴ انجام شده است.

سقاخانه‌های تهران در گذرگاه تاریخ اجتماعی ایران

۱- عوامل مؤثر در پیدایش سقاخانه

شکل‌گیری هر فضا در بافت شهرها ممکن است تحت تأثیر عوامل متعددی همانند: محیط طبیعی، فرهنگ حاکم بر جامعه و جهان‌بینی ساکنان آن باشد. پیدایش و شکل‌گیری سقاخانه‌های تهران نیز به عنوان عنصری از عناصر سکونت‌گاه‌های زیستی کهن می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی باشد، از جمله:



- محیط طبیعی

تهران از نظر موقعیت ویژه جغرافیایی جزء معدود شهرهای بزرگ دنیا و شاید کلان‌شهر جهان است که در منطقه خشک و استپی قرار گرفته... و از درون و حاشیه آن رودخانه‌ای عبور نمی‌کند. هوای تهران در تابستان گرم و خشک و حداکثر دمای ثبت شده آن حدود ۴۲/۵ درجه سانتیگراد است، بنابراین کمبود آب، گسترش شهرنشینی و گرمای شدید تابستان‌ها دلایلی بود که مردم خیر را وا می‌داشت تا در محله‌ها، آب‌انبار یا سقاخانه‌ای برای مصرف عمومی، بویژه برای فقرا احداث کنند.

- حادثه کربلا

با رواج تشیع و عمومیت یافتن عزاداری و روضه‌خوانی و نقل مداوم وقایع تاریخی صحرای کربلا و تأکید خاصی که بر موضوع ممانعت از رسیدن آب به خاندان امامت می‌شود، همچنین ماجرای شهادت ابوالفضل العباس (ع) که جان خود را در راه رساندن آب به تشنگان از دست می‌دهد، سبب شد که بار دیگر آب نزد شیعیان ایران جنبه مذهبی پیدا کند.

علاقه و ارادت ایرانیان نسبت به خاندان نبوت و حماسه کربلا موجب شد که به هر تشنه لبی آب رایگان بدهند و در مساجد، معابر، بازارها و گذرها، بویژه هنگام تابستان ظروف و قدهای آب سرد قرار دهند تا مردم رهگذری که تشنه‌اند از آن آب بنوشند و خاطره شهادت امام (ع) و اصحاب او را زنده و جاویدان نگاه دارند.

- عمل به احادیث

درباره سیراب کردن مؤمنان تشنه‌لب، بزرگان دین سخنانی فرموده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود: پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «چهار چیز است که هر که یکی از آنها را به جا آورد، داخل بهشت شود؛ کسی که تشنه‌ای را سیراب گرداند یا گرسنه‌ای را سیر کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده‌ای را که در مشقت باشد آزاد کند.»

امام حسین (ع) می‌فرماید:

«هرکه مؤمنی را آب دهد در وقت تشنگی، حق تعالی از شراب بهشتی او را سیراب کند.»

(علامه مجلسی، باب هفتم، ۱۳۳۸)

عمل به احادیث، زندگی اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که آبرسانی به تشنگان و پاسخگویی به نیازی از جمله اعمالی برای ورود به بهشت باشد، اکثر افراد بویژه کسانی که در مناطق خشک و کم‌آب زندگی می‌کنند با پیروی از این سخنان دست به احداث سقاخانه و آب‌انبار می‌زنند.

- اعتقادات دیرینه مردم

در ایران پیش از اسلام و در آیین زرتشتیان، آب از تقدس و حرمت ویژه‌ای برخوردار بود. علاوه بر دلایلی که در بالا ذکر کردیم، برخی معتقدند بسیاری از سقاخانه‌ها قبلاً پرستشگاه ناهید بوده است.

بهرام فره‌وشی در ایران‌ویچ در این باره می‌نویسد:

«یکی از پرستشگاه‌های ناهید که در ایران از دیرباز به جای مانده است، پرستشگاه شهربانو در ری است که بر فراز کوهی مشرف بر ری کهن هنوز پای برجاست و بانوی شهر از فراز آن کوه، شهر را زیر نظر پربرکت خود داشته است و بسیاری از سقاخانه‌های کهن نیز که در ایران زمین بسیارند، یادگاری سنتی از همین ایزد آب و باروری هستند.» (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۸۹)

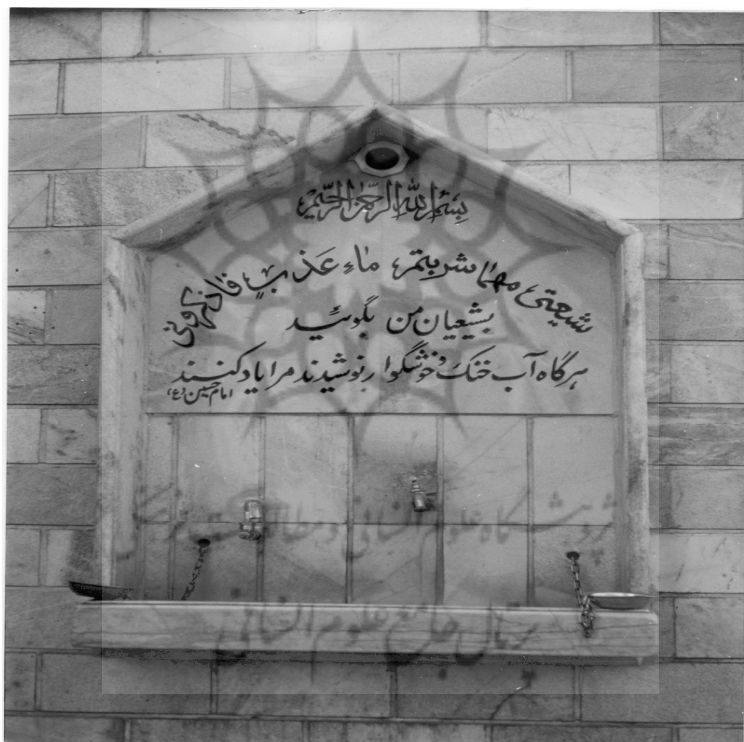
در شکل‌گیری و پیدایش سقاخانه‌ها نمی‌توان اعتقادات گذشته مردم را نادیده گرفت، ولی درباره این مطلب که بعضی از سقاخانه‌ها روزی پرستشگاه ناهید بوده است، سندی به دست نیامد.

براساس اطلاعاتی که درباره سقاخانه‌های تهران در این پژوهش به دست آمده است، می‌توان اعتقادات مذهبی را مهمترین عامل در شکل‌گیری و پیدایش سقاخانه‌ها دانست.

۲- سقاخانه‌ها و کارکردهای دیگر آن

«سقاخانه دکان یا نیم‌بایی بود که آبگاهی در آن به وجود می‌آوردند و جام و پیاله‌ای در آن می‌نهادند و آب آن را در دسترس تشنگان می‌گذاشتند و در زمره کارهای ثواب به شمار می‌آمد». (شهری، ۱۳۵۷: ۷۸)

«سقاخانه به طرق گوناگون ساخته می‌شد و گاهی نیز بر بالای بعضی از آنها قبه‌ای از ورقه‌های برنجی زده می‌شد، آب را در درون آن ذخیره می‌کردند و افراد تشنه می‌نوشیدند و در نظر عامه مردم، سقاخانه‌ها متبرک بودند.» (زاوش، ۱۳۷۰: ۱۸۱)



۲۵- سقاخانه خیابان لشگر

پاییز ۷۴

ناصر نجمی سقاخانه‌های تهران قدیم را این‌گونه توصیف می‌کند:

«در تهران قدیم سقاخانه‌ها را بیشتر به خاطر کارهای ثواب می‌ساختند و بنای آن چنین بود که در یک دکان نیم‌بابی ظروف بزرگ سنگی و یا دوستکامی^۱ بزرگی قرار می‌دادند و در اطراف آن جام‌ها و یا پیاله‌هایی که معمولاً بسته به زنجیر بود، می‌نهادند و این اقدام بیشتر در ایام عزاداری و یا روضه‌خوانی سیدالشهدا و یاد شهیدان دشت کربلا به وجود آمد. در شب هنگام برای اینکه چشم تشنه‌لبان بهتر بیند در محفظه‌هایی در کنار محل آب شمع‌هایی روشن می‌کردند و بعد این کار مقدمه‌ای شد برای کسانی که نذر و نیازی داشتند و هرشب جمعه شمع‌هایی را در سقاخانه‌های تهران قدیم نصب و روشن می‌ساختند. در بعضی سقاخانه‌هایی که کار و وضعشان مفصل‌تر بود، تعداد شمایل مقدسین مثل: حضرت عباس (ع) و حضرت علی‌اکبر (ع) را به دیوار می‌آویختند و معمولاً هر سقاخانه‌ای برای خود یک متولی و کارگردان داشت، بعضی سقاخانه‌ها را مردم خیراندیش و به منظور کمک به تشنه‌لبان، خاصه در فصل تابستان که قطعات یخ هم در آن می‌افکندند، بنا می‌کردند.» (نجمی، ۱۳۶۲: ۳۹۰-۳۸۹)

سقاخانه علاوه بر آنکه نیاز رهگذران به آب آشامیدنی را برطرف می‌کرد، نقش‌های دیگری نیز داشت که عبارتند از:

- مشکل گشایی

«ده‌ها زن و مرد برای گشایش مشکلاتشان روی به جانب سقاخانه‌ها می‌آوردند و

۱. ظرف بزرگ پایه‌دار مسی که در مجالس عمومی (مانند روضه‌خوانی) به کار برند و در آن آب یا شربت ریزند تا تشنگان از آن بنوشند (معین، ج ۲، ۱۳۷۵: ۱۸۹۳)

سقاخانه‌های تهران ❖ ۴۱

شمع‌هایی می‌افروختند و لب به دعا و زمزمه کردن می‌گشودند. هر شب جمعه عده‌ای زن و مرد، بخصوص دختران دم‌بخت در کنار سقاخانه می‌ایستادند و در حالی که زمزمه دعایی به لب داشتند به روشن کردن شمع می‌پرداختند. ساختن سقاخانه و روشن کردن شمع در گذری تاریک در آغاز، جنبه کار نیک با ثواب اخروی و خیر دنیوی برای انجام‌دهنده داشت که از طرف پیشوایان دینی توصیه شده بود، ولی بعدها به مرور، ذات این اشیا و اماکن در نظر مردم عامی، جنبه تقدس یافت و وسیله طلب حاجت شد.» (روزنامه کیهان، ۴۹/۱۱/۸)



۳۴- سقاخانه خیابان آبادان

تابستان ۷۴

- مکانی برای بست نشستن و پناهنده شدن

«درباره اهمیت بست و حمایت این سقاخانه‌ها و جسارت متولیان آنها همین بس که اگر کسی حتی قتل نفس کرده بود و خود را به پای آن می‌رساند، هیچ قدرتی را توانایی آن نبود که او را دستگیر و مجازات کند. خدام و منتسبان به آن از هر جرم و جریمه و پیگرد در امان بودند، با این شاهد که چون سفیر آمریکا، عکس از سقاخانه بازارچه آشیخ هادی برمی‌دارد و متولیان بر سرش می‌ریزند و تکه‌تکه‌اش می‌کنند. دولت قادر به دستگیری مسببانش نمی‌شود تا منجر به قطع رابطه میان دو دولت می‌شود.» (شهری، ۱۳۵۷: ۷۹)

- مکانی برای اجتماع لوطی‌های محل

عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من، در این باره می‌نویسد:
«اگر این مکان مقدس سر چهارراهی و یا در میدانچه‌ای هم واقع بود و ممکن باشد بساط سینه‌زنی شب‌های ایام سوگواری و جمعه را در نزدیک آن برپا کنند که نور علی‌نور خواهد شد، زیرا سقاخانه شهرت پیدا می‌کند و پاتوق محله می‌شود و هم نان و جاهت باباشمل به می‌افتد، ولی هیچگاه شهرت این مکان مقدس از محله به خارج تجاوز نمی‌کند، زیرا سایر گذرها و محله‌های شهر هم سقاخانه و پاتوق‌های خود را دارند. فقط در تمام تهران یک سقاخانه وجود داشت که به واسطه قدمت و تزئینات بنا و مراقبت‌های داش‌های محل، شهرت شهری به هم زده و از تمام نقاط شهر نذر و نیاز برای آن می‌آوردند و آن سقاخانه نوروخان بود.» (مستوفی، ج ۳، ۱۳۶۰: ۶۱۷)

۳- معروف‌ترین سقاخانه‌ها در تهران قدیم

در آن روزگار، تهران چندین سقاخانه معروف داشت از جمله: سقاخانه نوروخان، آیینه و سقاخانه آقاشیخ هادی نجم‌آبادی.
«و اما سقاخانه گذر آقاشیخ هادی واقع در چهارراه آقا شیخ هادی منشعب از انتهای

خیابان باغشاه یا خیابان سپه بود که نه تنها معجز داخلی‌ها نموده بلکه کار کشف و کراماتش تا آن طرف اقیانوس‌ها نیز کشیده شده بود.»



۳۵- سقاخانه خیابان شیخ‌هادی

عبدالله مستوفی درباره سقاخانه شیخ هادی و قتل ماژور ایمبری می‌نویسد: «باری هنوز مردم از بهت آمدن تمثال از نجف بیرون نیامده و از اسف و افسوس بر قتل میرزاده عشقی خارج نشده بودند که موضوع معجزه سقاخانه چهارراه آقا شیخ هادی در شهر منتشر شد! سقاخانه و معجزه؟ این نامربوط‌ها چیست که اختراع می‌کنند! دو سه روزی گذشت، موضوع از حرف تجاوز کرده و به عمل رسید و از تمام شهر نذر و نیاز برای این سقاخانه‌های

جدیدالولاده می‌برند و اعیان محل اسباب چراغ و تزئینات دیگر برای این مهبط فیض می‌فرستند و هرشب سر این چهارراه دکان‌های حول و حوش را چراغان می‌کنند! ...

ماژور ایمبری، کنسول‌یار دولت آمریکا که در آن واحد، نماینده مجله جغرافیایی کشور آمریکا بود با لوین سیمور یکی از هموطنانش که در شرکت نفت جنوب ایران خدمت می‌کرد، برای تماشا می‌رود و می‌خواهد عکسی از سقاخانه بردارد که مردم مانع می‌شوند و عبا‌های خود را جلو دوربین او و سقاخانه حایل می‌کنند. هیچ معلوم نیست در اینجا، ماژور با رفیقش چه اقدامی کرده‌اند یا آنها که می‌خواسته‌اند ماژور را به دم کتک عامه بدهند، چه گفته‌اند و چه القایی به جمعیت کرده‌اند که مردم تصور نموده‌اند که اینها از همان بهایی‌ها هستند که چند روز قبل قصد مسموم کردن سقاخانه را داشته و امروز با لباس مبدل آمده و می‌خواهند قصد سابق خود را عملی کنند و با این تصور به جانب ماژور و رفیقش حمله خفیفی می‌کنند. از همه اینها عجیب‌تر، وقتی ماژور ایمبری و رفیقش، کتک‌خورده و جراحت برداشته خود را به نظمیہ رسانده‌اند، جمعیت به داخل نظمیہ هجوم برده، کتک‌کاری را به قصد کشت، آن هم نسبت به ماژور تنها تجدید کرده و به فاصله یکی دو ساعت بعد از کتک‌کاری در نظمیہ، زندگانی را وداع گفته و باعث قطع رابطه و فسخ قرارداد (استخراج نفت شمال) می‌شود». (مستوفی، ج ۳، ۱۳۶۰: ۶۱۸)

سقاخانه نوروزخان

حسین کریمان در کتاب «تهران در گذشته و حال» درباره سقاخانه نوروزخانه نوشته

است:

«در سوی شرقی جلوخان شمالی مسجد شاه تهران، در جبهه خیابان بوذرجمهری یک باب دکان به سقاخانه بزرگ و مفصلی تخصیص یافته است و جنب سقاخانه نیز پلکانی به مسجد طبقه فوقانی می‌رود. این سقاخانه به جای سقاخانه‌ای است که پیش از احداث خیابان بوذرجمهری در زیر بازارچه معروف به نوروزخان واقع شده بود و جای پای سنگی داشت و از زیارتگاه‌های پرجمعیت طهران بود. این بازارچه از محل کوچه جنب سقاخانه فعلی به سوی جلوخان مسجد شاه امتداد داشت که در ضمن احداث خیابان در سال‌های اخیر سلطنت پهلوی، تمام بازارچه و بناهای دوسوی آن جزء خیابان شد و ظاهراً سنگ نیز در زیر بماند.» (کریمان، ۱۳۳۵: ۱۶۱)

همچنین جعفر شهری درباره سقاخانه نوروزخان نوشته است:

«سقاخانه نوروزخان که یک سرتاسر بازارچه به طفیلش درآمده، سال به دوازده ماه با سیاهی‌های جرزها و کتیبه‌ها و بیرق و علم و کتل و عکس و شمایل‌های مختلف صورت تکیه و معبد و زیارتگاه و روای حاجات گرفته، روز و شب در آن روضه و سینه‌زنی و مانند آن برقرار شده پول و نذور مختلف از مرغ و گوسفند و پارچه سبز و شمع و شمعدان و چراغ و طلا و نقره از دست و تنه^۱ و قفل طلا و نقره و امثال آن که به طرفش سرازیر گردیده به در و دیوارش کوبیده آویزان می‌گردید، علاوه بر

۱. دست و تنه از جمله نذرهایی بود که مثلاً اگر کسی دستش درد می‌کرد، پس از بهبودی، یک دسته یا پنجه نقره‌ای یا طلایی که از ورقه نازکی ساخته می‌شد، تهیه به در یا دیوار امامزاده می‌کوبید و اگر از قسمت بالای بدن مانند چشم‌دردی، التیام می‌یافت، یک یا دو چشم به هم چسبیده از نقره و طلا می‌آورد و اگر یک قسمت از بدن بیمار بهبود می‌یافت، یک هیكل کامل طلایی یا نقره‌ای نذر می‌کرد.

دخیل‌هایی از رشته^۱ و رشمه^۲ (rašme) و چارقده و دستمال و قفل و زنجیر که به پنجره‌های درش گره و بسته می‌شود، دخیل‌هایی که تا روا شدن حاجت همچنان بر جا مانده با حاجت‌روایی باز شده به عوضش نقدینه تسلیم می‌گردید، نقدینه‌هایی که معلوم بود جز اسکناس و سکه‌های رایج نمی‌توانستند باشند و جنسینه‌هایی از فرش و اثاث زیورآلات پربها امثال: گوشواره، النگو، گردن‌بند، خفتی، دستنبند و بازوبند که به روی حوایج آورده می‌شدند و آلف و الوفی که برای خدام و متولیان و روضه‌خوان‌ها و متصدیان و خدمه آن که سر به پنجاه شصت نفر می‌زدند برقرار شده بود». (شهری، ج ۵، ۱۳۶۸: ۱۱۳)

سقاخانه‌های تهران در حال حاضر

۱. پراکندگی سقاخانه‌های تهران

«براساس اطلاعات ثبت‌شده در اطلس فرهنگی شهر تهران، قبل از سال ۱۳۰۰ تهران دارای ۱۰۳ سقاخانه بود که از این تعداد ۷۹/۶ درصد در میان سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۲۹۹ احداث شده است. از سال ۱۳۰۰ به بعد ۱۹۳ سقاخانه بر این تعداد اضافه گردید که بیشترین آنها در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ (۱۵ درصد) ساخته شده است. همچنین مساحت ۵۳/۷ درصد از سقاخانه‌های تهران کمتر از ۱ متر مربع، ۲/۸۴ درصد ۱ تا ۱/۹۹ متر مربع، ۸/۵ درصد بین ۲ تا ۲/۹۹ متر مربع، ۳/۷ درصد بین ۳ تا ۳/۹۹ متر مربع، ۲ درصد بین ۴ تا ۴/۹۹ متر مربع مساحت دارند و درصدهای دیگر مساحت‌های بین ۵

۱. رشته: نخ، قاطمه و طناب نازک و ابریشمی که بر ضریح، پنجره، چفت و ریزه امکان مقدس گره زده می‌شد که با گره زدن، نیت نیز از دل می‌گذشت و با روا شدن حاجت، گره باز و نذری‌اش ادا می‌شد.
۲. رشمه: باریکه‌ای که از کنار چادر، چارقده و مثل آن بریده می‌شود.

تا ۱۰ متر مربع و بیشتر را به خود اختصاص دادند». (اطلس فرهنگی، ۱۳۵۵: ۴۳)
اما اینک با گسترش شهر و ایجاد خیابان‌ها و بزرگراه‌های جدید، تهران حدود ۱۰۰ سقاخانه دارد.

۲. مالکیت سقاخانه

مالکیت سقاخانه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. سقاخانه‌هایی که در تملک صاحب اصلی یا فرزندان اوست.
۲. سقاخانه‌های وقفی که برخی از آنها سند دارند و برخی دیگر فاقد سند وقفی هستند.

متن یک سند وقفی:

۶ دانگ یک باب سقاخانه موقوفه به شماره پلاک ۱۶۸ واقع در تهران، ناحیه ۶ محمدیه کوچه خراسانی‌ها، ریل ثبت ۲۵۰۸، صفحه ۳۶۲، دفتر ۲۵ به نام آقای سیدابوالقاسم سادات حسینی فرزند حاج سید حسن به عنوان متصدی بر وقوف ثبت گردید.

حدود و مشخصات:

شمالاً اشاره عام، ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
شرقاً جرز و دیواری است اشتراکی، با دکان نمره ۱۶۸،
جنوباً دیواری است به دیوار مسجد نمره ۱۶۵،
غرباً جرز و دیواری است اشتراکی، با دکان نمره ۱۶۶.

۳. آداب و رسوم سقاخانه‌ها

روشن کردن شمع

روشن کردن شمع در زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس برای برآورده شدن حاجت از اعتقادات دیرینه مردم ایران زمین است.

زنان پیر و جوان در ایام هفته، به ویژه در غروب روز پنج‌شنبه یا در روزهای میلاد و عزای بزرگان دین به سقاخانه می‌آیند و شمع روشن می‌کنند. ناصر نجمی در کتاب «ایران قدیم و تهران قدیم» درباره روشن کردن شمع می‌نویسد:

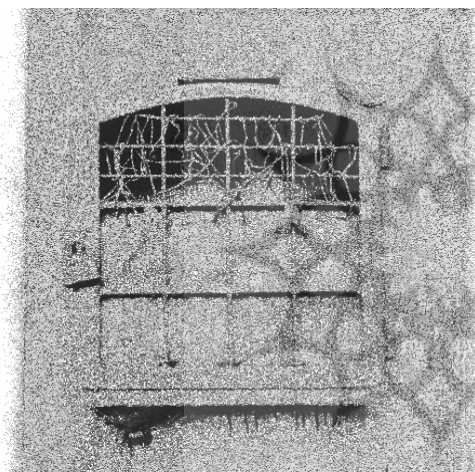
«در شب هنگام برای اینکه چشم تشنه‌لبان بهتر ببیند در محفظه‌هایی در کنار محل آب شمع‌هایی روشن می‌کردند و بعد این کار مقدمه‌ای شد برای کسانی که نذر و نیازی داشتند و هر شب جمعه شمع‌هایی را در سقاخانه‌های تهران قدیم نصب و روشن می‌ساختند.»

برخی از صاحب‌نظران منشأ این عمل را دنباله طبیعت‌پرستی می‌دانند و می‌گویند: «بیشتر ملت‌های امروزی جهان، در پشت سرگذاردن ظهورات دینی در آغاز، طبیعت را مقدس دانسته و مظاهر طبیعی چون: سنگ‌ها، نباتات، جانوران، آسمان، ستارگان، عناصر چهارگانه عالم هستی (آب، خاک، باد و آتش) را یا به صورت کلی و مطلق مورد تکریم و تقدیس قرار می‌دادند یا به صورت محدود و مشخص، از جمله سامی‌ها و آریایی‌ها پیش از آنکه به خدای یکتا ایمان آورند، مظاهر طبیعی را مورد تقدیس و احترام و پرستش قرار می‌دادند. احترام به مظاهر طبیعی به ویژه آتش و درخت و تخته‌سنگ‌ها و چشمه‌سارها که امروز در نزد ایرانی‌ها، بویژه نزد روستاییان و عشایر مشاهده می‌شود، یادگاری است از عمومیت این آیین در نزد امم قدیم آریایی. امروزه آرایش درخت کاج در عید میلاد مسیح و افروختن شمع در آغاز سال یا به عنوان نذر در کلیساها، مزارات شریف و غیره که در حال حاضر در دنیای متمدن مشاهده می‌شود، همه و همه دنباله طبیعت‌پرستی است.» (طییبی، ۱۳۶۸: ۲۸۱-۲۸۰)

بستن دخیل

زنان بنا بر مشکل و گرفتاری که دارند، دخیلی را که به پنجره سقاخانه می‌بندند، این دخیل ممکن است یک تکه پارچه سبز، یک تکه باریک پارچه از لباس یا یک قفل کوچک باشد. آنها با بستن دخیل که نوعی توسل است با خدا عهد می‌کنند که اگر مشکلتشان حل شود، صدقه‌ای را در راه رضای خدا بدهند. آنها با گره زدن پارچه و بستن قفل صاحب اصلی خانه، امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)، را بین خود و خدای خود شفیع قرار می‌دهند و از آنها می‌خواهند که حاجتشان را برآورند.

سید محمد تقی مصطفوی درباره منشأ چنین سنتی می‌گوید:



«بستن دخیل و آویختن قندیل از

سنت‌هایی است که ریشه چند هزار ساله دارد. یکی از پاک‌ترین و بی‌شائبه‌ترین مظاهر زندگی طبقه ساده‌دل و توده پاک‌سرشت مردم چگونگی توسل به اماکن متبرک و زیارتگاه‌هاست که به وسیله افروختن شمع و بستن دخیل و آویختن قندیل و امثال آن صورت‌پذیر می‌گردد.»

اصولاً دست یافتن به دامان بزرگان و تکیه کردن به نیروی مادی یا معنوی قدرتمندان همیشه از احتیاجات طبیعی بشر و از خصایل فطری آدمیزاده بوده است. کسانی که حاجتی دارند یا از اوضاع روز گله‌مند هستند، دنبال شخص یا مقامی می‌گردند که بتواند حاجتشان را برآورد یا از نگرانی خلاصشان نماید و چون مردمی که پایبند مذهب هستند قبل از هر کجا و بیش از هر چیز سراغ معبود خود می‌روند که خاطرشان را از اینگونه عوامل آسوده سازد، لذا معابد و پرستشگاه علاوه بر محل راز و نیاز به درگاه خداوند از قدیمی‌ترین ایام برای توسل و استغاثة صاحبان حاجت و دردمندان مورد توجه فراوان مردم با عقیده و ایمان بوده است.» (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۱۱)

۴- تزئینات سقاخانه

سقاخانه‌ها به علت تقدسی که در نزد مردم داشته‌اند، اغلب به شکلی زیبا ساخته و تزئین شده‌اند، لذا دارای تزئینات متنوعی هستند که عبارت است از:

کاشی‌کاری

برخی از سقاخانه‌های تهران که دارای قدمت تاریخی هستند با کاشی‌های ساده، گل و بوته‌دار یا با کاشی‌های منقوش به تصاویر متناسب به بزرگان دین یا با کتیبه‌هایی مزین گردیده که آیاتی از قرآن کریم، احادیث یا اشعاری از شعرای ایرانی بر آن نوشته شده است.

برای مثال: کاشی‌کاری سقاخانه کوچه خدابنده‌لو مزین به اشعاری از محتشم کاشانی (شاعر قرن ۱۱ ه.ق) در رثای حضرت حسین بن علی (ع) است.



آینه کاری

آینه نشانه‌ای از صفا و بی‌ریایی باطن است. معمولاً ما در زیارتگاه‌ها و مکان‌های بارزش مانند کاخ‌ها شاهد آینه کاری دیوارها و سقف‌ها هستیم، ولی در بعضی از سقاخانه‌های تهران، مردم به دلیل علاقه و تقدس اینگونه مکان‌ها سقف یا دیوار سقاخانه را آینه کاری کرده‌اند.

به عنوان مثال: آینه کاری و کاشی کاری بسیار زیبا و تاریخی سقاخانه محمد عزیز که در میدان وحدت اسلامی (شاپور)، خیابان مهدیخانی واقع است.

۵. محل شماری از سقاخانه‌های قدیمی تهران

- ۱- میدان وحدت اسلامی (شاپور) خیابان مهدیخانی، نبش کوچه مهدی رضایی
مجد (سقاخانه عزیز محمد)
- ۲- خیابان بوذرجمهری، کوچه امامزاده یحیی، کوچه چاپخانه
- ۳- خیابان ۱۵ خرداد، بازار نوروزخان، سقاخانه ایلچی کبیر
- ۴- خیابان ۱۵ خرداد، نبش پله نوروزخان
- ۵- خیابان ناصر خسرو، کوچه خدا بنده‌لو
- ۶- خیابان مولوی، کوچه شهید ذکایی، چهارسوق چوبی
- ۷- خیابان ظهیرالاسلام، ابتدای کوچه توسلی، سقاخانه آینه
- ۸- خیابان آذربایجان، نبش خیابان باستان
- ۹- پارک شهر، غرب خیابان بهشت، کوچه شهید اسدی منش
- ۱۰- میدان حسن‌آباد، خیابان شیخ هادی، روبروی کوچه بیدل

منابع

- ۱- ابراهیمی، شهناز، بررسی سقاخانه‌های تهران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۷۴.
- ۲- زاوش، (ج،م)، تهران در گذرگاه تاریخ ایران، ترجمه حسین ملکی، تهران: اشاره، ۱۳۷۰.
- ۳- شهری، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۵، تهران: رسا، ۱۳۶۸.
- ۴- شهری، جعفر، گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۵- فره‌وشی، بهرام، ایوانویچ، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۶- طبیبی، حشمت‌الله، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران: ناشر، ۱۳۶۸.
- ۷- کریمان، حسین، تهران در گذشته و حال، تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۳۵.
- ۸- علامه مجلسی، حلیه‌المتقین، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۸.
- ۹- مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر، اطلس فرهنگی شهر تهران، بخش سوم (بناهای تاریخی - دینی)، تهران: ۱۳۵۵.
- ۱۰- مستوفی، عبدالله، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه یا شرح زندگانی من، ج ۳، تهران: ۱۳۶۰.
- ۱۱- مصطفوی، سیدمحمد تقی، آثار تاریخ طهران، ج اول، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱.
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- ۱۳- نجمی، ناصر، ایران قدیم و تهران قدیم، تهران: جانزاده، ۱۳۶۲.
- ۱۴- روزنامه کیهان، ۴۹/۱۱/۸.